

## انقلاب اسلامی و چالش‌های فراروی آن

• ایرج یحیی‌پور\*

### چکیده

مقاله حاضر، تحقیقی است جامع که به طرح استراتژی مهار دوجانبه می‌پردازد و در پی آن است تا موضوع تحریم ایران توسط آمریکا را مطرح ساخته و به اختصار واکنش کشورهای منطقه خلیج فارس و همچنین تأثیر این تحریم بر این کشورها را بررسی نماید. نویسنده بر آن است، تا با توجه به دوران پس از جنگ دوم خلیج فارس در ژانویه ۱۹۹۱، دگرگونی نظام امنیتی این منطقه را بازگو کند و در این میان، مورد خاص، کشور ایران است و آثار این استراتژی (مهار) بر امنیت ج.ا.ا. - محور اصلی این مقاله می‌باشد.

بنابراین، مؤلف در این مقاله، میزان تأثیرگذاری سیاست مهار بر ایدئولوژی نظام سیاسی و اقتصادی ایران را سنجیده و در نهایت نیز به این نتیجه دست می‌یابد که این سیاست، تأثیری که هدف آمریکا را تأمین نماید در بر نداشته و آمریکا با انتخاب چنین سیاستی، چندان در رسیدن به اهدافش موفق نبوده است. پس تحریم مذکور تقریباً بی‌تأثیر قلمداد می‌شود و در مجموع تأثیر سیاست مهار دوجانبه بر اوضاع داخلی و خارجی ایران و اثرات آن بر مسائل نظامی ژئوپولتیکی این کشور - با توجه به اهمیتش در منطقه - هدف محوری این نوشتار بوده است.

در پایان، نگارنده اعمال محدودیت‌های آمریکا علیه ایران، در این استراتژی را شرح و بسط می‌کند و تأثیر استراتژی مهار دوجانبه بر علیه امنیت ج.ا.ا. را به اجمال بازگو می‌نماید.

«ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا»\*

### مقدمه

امروزه مطالعه سیاست خارجی کشورها به عنوان شاخه‌ای از حوزه مطالعات روابط بین‌الملل، طی یک فرایند مستمر و علمی، مطالعات تاریخی بهره‌گیری از الگوهای نظری و همچنین کاربرد دقیق متغیرهای تأثیرگذارنده بر سیاست خارجی کشورها میسر است. در عین حال شناخت روندهای تعیین کننده در محیط روابط بین‌المللی عاملی بسزا و مؤثر در فهم منطقی و تأثیر و تأثرات متقابل این متغیرها خواهد بود.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (سابق) و بلوک شرق تغییرات بنیادین و شگرفی را در معادلات موجود در سیاست بین‌الملل پدید آورد. که در نتیجه آنها وجود اهمیت منطقه‌ای و جهانی ایران در سیاست خارجی امریکا نیز دستخوش این تحول و تغییر بوده است. ایران به لحاظ منطقه‌ای، همچنان به عنوان یکی از کانونهای بحران در حیطه منافع حیاتی آمریکا در خلیج فارس تلقی شده و از نظر بین‌المللی نیز پاره‌ای از رفتارهای جمهوری اسلامی ایران با اهداف آمریکا در تعارض می‌باشد. آمریکا برای از بین بردن این کانون بحران، مهار ایران را که بخشی از استراتژی مهار دو جانبه است، انتخاب کرده و از طریق تحریم‌های اقتصادی اولیه و ثانویه و اقدامات خصمانه دیگری نظیر طرح کینگریج برای خرابکاری در ایران تلاش کرد تا رفتار ایران را مطابق خواست‌های خود تغییر دهد.

سیاست مهار ایران پدیده‌ای جدید و منحصر به دوران کلینتون است، این سیاست با سیاست‌های دولت‌های گذشته آمریکا متفاوت می‌باشد، تحریم ایران بخشی از مهار ایران نه تمامی آن است، به عبارت دیگر؛ سیاست مهار ایران، از تحریم‌های کلاسیک تجاری و اقتصادی فراتر است و در بطن و قلب خود هدفی چون تضعیف قدرت ایران و جلوگیری از رشد و توسعه همه جانبه کشور را دنبال می‌کند.

بنابراین می‌توان پژوهش این مسأله را بدین شرح بیان کرد که پس از جنگ دوم خلیج

فارس، در ژانویه ۱۹۹۱ سیستم امنیت منطقه‌ای در این ناحیه دگرگون گردید. متعاقب آن ویلیام کلینتون، در انتخابات نوامبر ۱۹۹۲ به کاخ سفید راه پیدا کرد و گروه جدیدی به کاخ سفید راه یافتند که دارای استراتژی‌های متفاوتی با کارگزاران امنیت ملی «ریگان» و «بوش» بودند.

«مارتین ایندایک» و «آنتونی لیک» که نفوذ قابل توجهی در شورای امنیت ملی (NSC) داشتند در صدد گسترش محدودیت‌های استراتژیک بر علیه ایران برآمدند، به گونه‌ای که در ماه مه ۱۹۹۳ مارتین ایندایک مشاور خاورمیانه‌ای کلینتون در کمیته مشترک آمریکا و اسرائیل موسوم به «ایپاک»<sup>\*</sup> طرح مربوط به سیاست مهار دو جانبه<sup>\*\*</sup> ارائه کرد. این امر اگر چه بعداً مورد انتقاد کارگزاران سیاست خارجی آمریکا و تحلیلگران مسائل ایران قرار گرفت، اما از سال ۱۹۹۴ به بعد نقش عمده‌ای در اعمال محدودیت‌های آمریکا علیه ایران ایفا نمود. در این رابطه قواعد محدودیت‌های دیگری بتدریج در کنگره آمریکا به تصویب رسید؛ تا اینکه نهایتاً در مارس ۱۹۹۵ بر اثر فشار لابی‌های طرفدار اسرائیل، کلینتون دستورالعمل اجرای خود را برای محدود کردن همکاری‌های اقتصادی اعلام نمود و بعد از این دوران، روند مهار تشدید گردید. شایان ذکر است که؛ اقدامات یاد شده از سوی برخی از مراجع ساختاری و غیرساختاری در سیاست خارجی آمریکا با واکنش روبرو گردیده است، آنان بر این باورند که آمریکا باید به جای مهار ایران اقداماتی را در جهت بازگرداندن این کشور به مجامع بین‌المللی به انجام برساند.

### آثار استراتژی مهار دو جانبه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

یکی از اهدافی را که ایالات متحده در مورد اعمال سیاست مهار علیه جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌کند، این است که از یک طرف با تحریم کامل اقتصادی ایران از جانب خود و کشورهای دیگر، توانایی اقتصادی ایران را ضعیف کرده و فشارهای اقتصادی و روانی به مردم ایران تحمیل کند تا دست از حمایت دولت بردارند و حتی، اقدام به شورش‌های داخلی کنند و زمینه را برای کوتاه آمدن ایران از اصول و اهدافش فراهم کنند و از طرف دیگر ایران را از نظر سیاسی در سطح بین‌المللی به انزوا بکشانند و

#. Aipac

##. Dual containment

نهایتاً ایران را مجبور به تغییر رفتار در زمینه‌هایی که ادعا می‌کنند، هماهنگ با خواسته‌های خود و قوانین بین‌المللی نیست، وادار نمایند. در این مقاله بر آنیم که آثار این سیاست را از زمان اعلان آن در مارس ۱۹۹۳ تا سپتامبر ۱۹۹۷ بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار دهیم.

در این تحقیق شاخص‌های امنیت ملی ایران، ابعاد ایدئولوژی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، ژئوپولیتیکی و مشروعیت نظام سیاسی می‌باشد و در صدد هستیم، مشخص کنیم که استراتژی مهار، چه تأثیری بر شاخص‌های امنیت ملی که در این تحقیق به آنها اشاره شد، داشته است آیا این استراتژی یک سیاست موفق بود یا خیر؟ آیا این سیاست توانست شاخص‌های مورد نظر را تحت تأثیر قرار دهد اگر مثبت بود چه تأثیراتی را بر جای گذاشته است؟

**الف - بررسی میزان تأثیر گذاری سیاست مهار بر ایدئولوژی نظام سیاسی ایران**

امروزه، هرگاه که سخن از نام انقلاب اسلامی ایران در هر نقطه از جهان به میان می‌آید، اولین چیزی که به عنوان شاخصه اصلی آن تبلور می‌کند، ایدئولوژی این انقلاب اسلامی است؛ چه بسا بدون اتکا به این ایدئولوژی، انقلاب ما چندان برای دوست و دشمن شناخته نمی‌شد و ارزش این انقلاب بیشتر در این است که تفسیر و بیان جدیدی نسبت به اهداف و ایده‌آل‌هایش ارائه داده است که البته این تفسیر و بیان به شدت متأثر از مفاهیم و فرهنگ اسلامی است. جالب آنکه ریشه اصلی مشکلات غرب، بویژه ایالات متحده از رابطه با ایران در همین جاست، چرا که، تاکنون هیچ یک از انقلاب‌ها و نهضت‌های تاریخ معاصر، اهدافی را که بیان‌کننده و تفسیرکننده آنها چیزی به جز فرهنگ و تمدن غرب باشد، تعقیب نکرده‌اند. این انقلاب در حقیقت نتیجه ظهور واقعیت‌های نهفته و در عین حال نیرومندی است که به علل فراوانی در طول یکصد سال اخیر یعنی؛ پس از برخورد فرهنگ ایران با تمدن غرب - پنهان و در حال کمون مانده بودند و در طی این انقلاب مجال بروز یافته‌اند، در واقع انقلاب اسلامی نماینده جریانی است که با خود این انقلاب شروع شد و در آینده به نحو مؤثرتر و گسترده‌تری ادامه خواهد یافت. در جریان انقلاب ایران نوک پیکان ایدئولوژیکی و فرهنگ اسلامی، در کلیت آن است. اگر این انقلاب صرفاً به آن بخش از اسلام که سیاسی - انقلابی است تکیه

داشت؛ نه تنها به پیروزی نمی‌رسید، که به فرض پیروزی در همان روزهای اول فرومی‌پاشید. پای‌بندی رهبران نظام سیاسی به ارزشهای اسلامی و به تبع آن حمایت از نظام جمهوری اسلامی، بیانگر این واقعیت است که تلاش‌های آمریکا برای عدم پای‌بندی مردم به ارزش‌های اسلامی بی‌فایده است. و موضع‌گیری صریح جمهوری اسلامی در قبال مسائل جهان اسلام، این واقعیت را نشان می‌دهد که ایران در مقابل تلاش‌های آمریکا از اصول و اهدافش عقب‌نشینی نکرده است. به عنوان مثال؛ در تمامی سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی، شاهد آن بوده‌ایم که شاخص‌های ایدئولوژیک ایران هیچ‌گونه تغییری پیدا نکرده، بلکه در چارچوب الگوهای جدید، تعارض با سیستم سلسله‌مراتبی مورد نظر آمریکا افزایش پیدا کرده است. در این رابطه رئیس‌جمهور کشورمان آقای خاتمی نیز در مصاحبه با خبرگزاری آمریکا بیان داشتند که:

امریکاییها از زمان خودشان عقب افتاده‌اند، در حالی‌که جهان به سمت چند قطبی شدن پیش می‌رود، خیال می‌کنند، که تنها قدرت جهان هستند.

حمایت از جنبش‌های اسلامی حماس، حزب‌الله لبنان و ... که اصول اولیه انقلاب اسلامی را تشکیل می‌داد از این مقوله قابل ارزیابی است. در خصوص حمایت ایران از لبنان، «محمدالجاسم» معاون سردبیر روزنامه کویته «الوطن» می‌نویسد «لبنان صحنه اصلی عملیات ایران به شمار می‌رود. حزب‌الله ابزار مؤثری در تحریک آمریکا و اسرائیل به نشان دادن واکنش بیش از حد که به اعتبار آنان در منطقه و جهان لطمه می‌زند، محسوب می‌شود. نمونه بارز آن عملیات تهاجمی «خوشه‌های خشم» در آوریل ۱۹۹۵ است، ایران به خوبی آگاه است که اوج‌گیری حملات حزب‌الله لبنان به افزایش اعتبار آن کشور در اکثر کشورهای عربی می‌انجامد که واشنگتن را بشدت خشمگین می‌سازد.»<sup>(۱)</sup> ایران همچنین بر اصول و ارزش‌های اسلامی خود پافشاری می‌کند و اگر ما در حال حاضر در سطح دنیا و منطقه مطرح هستیم، به این دلیل است که ما حرف داریم و اگر حرف و نظر نداشتیم و دارای قدرتی نبودیم، این‌گونه مورد توجه قرار نمی‌گرفتیم و کسی هم نمی‌خواست به ما ضربه بزند.<sup>(۲)</sup> اینها نشان دهنده آن است که ایران، علیرغم فشارهای آمریکا، همچنان بر ارزش‌های اسلامی پایبند است.

عمده‌ترین تلاش‌های ایالات متحده در زمینه اعمال مهار علیه ایران، برای به زانو درآوردن ایران به لحاظ اقتصادی بوده است. طرح تحریم اقتصادی ایران از جانب شرکت‌های آمریکایی، لغو قرارداد ۱ میلیارد دلاری شرکت کونوکو با ایران، دستورالعمل اجرایی کلینتون و طرح داماتو، همه برای این بود که شریان حیاتی ایران را ضعیف کرده و این کشور قادر نباشد نیازهای اقتصادی خود را تأمین نماید. این اقدامات آمریکا بعضی از مشکلات اقتصادی موجود در ایران را تشدید کرده است، اما اساساً اثرات منفی روی اقتصاد ایران نگذاشته است؛ البته طرفداران مهار ایران اعتقاد دارند که سیاست مهار و به تبع آن تحریم‌های اقتصادی بر ایران، تأثیر منفی گذاشته است. «کنت تیمرمن» ناشر «ایران بریف» که دارای مواضع خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران است؛ در کنفرانس ایران در مرحله گذار اعلام کرد که سیاست تحریم تا به امروز از جهاتی نیز مؤثر بوده است، چرا که:

۱- ارزش ریال ایران را کاهش داد.

۲- دسترسی ایران به سرمایه‌ها و تکنولوژی خارجی را محدود و به صنعت نفت ایران ضربه زد.

۳- این کشور را گرفتار بدهی‌های خارجی کرده است.

در عین حال، تأثیر مورد دلخواه را به جای نگذاشته، چرا که ایران؛ به راحتی نیازهای خود را از دیگر کشورها تأمین می‌کند.<sup>(۳)</sup> «آلفوس داماتو» در جلسه‌ای که به بررسی اقدامات آمریکا علیه ایران تشکیل شده بود اعلام کرد که «تنها ظرف دو هفته پس از اعلام دستورالعمل ریاست جمهوری علیه ایران، پیامدهای زیر حاصل شد:

۱- پول رایج ایران، به نام ریال به میزان بی‌سابقه‌ای سقوط کرد و به ۷۵۰۰ ریال در برابر هر دلار آمریکا رسید، حال آن که؛ این میزان دو هفته پیش‌تر ۴۲۰۰ ریال در برابر یک دلار بوده است.

۲- نرخ تورم محافظه‌کارانه ۴۰٪ اعلام شده، اما حتی می‌تواند، از این هم خیلی بالاتر برود. رژیم ایران در پی سقوط ارزش ریال، سقف غیرواقعی ۳۰۰۰ ریال را در برابر یک دلار به عنوان نرخ مبادله ارز تعیین کرد نرخ غیرواقعی تعیین شده همچنین موجب فرار پول به خارج از کشور و افزایش خروج پول از ذخایر ملی شده است.

۳- علیرغم ادعای ایران مبنی بر عدم تأثیر تحریم بر فروش نفت، خرید نفت

شرکت‌های آمریکایی از ۶۰۰/۰۰۰ هزار به ۲۰۰/۰۰۰ بشکه در روز رسید.

۴- ایران با آفریقای جنوبی وارد معامله شد تا ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ بشکه نفت را در آنجا ذخیره‌سازی کند.

۵- این عوامل، مانع از آن می‌گردد که ایران بتواند از عهده بازپرداخت پول خارجی خود برآید که در حال حاضر ۵ میلیارد دلار، یعنی؛ دو برابر سطح سال ۱۹۹۵، این رژیم را ناگزیر ساخته است تا در بازپرداخت پول خود با بستانکاران خارجی تجدیدنظر نماید که خود جذب سرمایه‌های خارجی در ایران را دشوارتر می‌سازد. این عاملی است که در تأمین مالی مقاصد منطقه‌ای آن کشور اهمیت بسزایی دارد.<sup>(۴)</sup> ادعای طرفداران مهار ایران این است که سیاست مهار باعث جلوگیری از سرمایه‌گذاری در صنایع نفتی ایران شده و با توجه به کهنه بودن چاهها و ممانعت در امر سرمایه‌گذاری در صنایع نفتی ایران، در آینده ایران نه تنها برای تولید و فروش نفت با مشکل روبه‌رو خواهد شد؛ بلکه به وارد کننده نفت نیز تبدیل خواهد گشت. آنها همچنین می‌گویند: اجرای کامل و مؤثر مهار ایران به پنج تا ده سال دیگر احتیاج دارد و اثرات سیاست‌ها در آن زمان بیشتر مشهود خواهد گردید.<sup>(۵)</sup> «پیتر تارنوف» معاون وزیر امور خارجه سابق آمریکا گفت: نشانه‌هایی در دست است که نشان می‌دهد تحریم‌های ما در حال حاضر اقتصاد ایران را تحت فشار قرار داده است گرچه هنوز زود است که انتظار نتایج قطعی داشته باشیم، در عوض باید به روندهایی توجه داشته باشیم که حاکی از وخامت بنیادی در شاخص‌های اساسی اقتصاد ایران است، اقدامات ما این سیر نزولی را تشدید می‌کند. تحریم ما افت موقت درآمد حاصل از فروش نفت را ناگزیر ساخت زیرا داد و ستد نفت ایران برای کمپانی‌های آمریکایی ممنوع شده است، ما با وخیم‌تر کردن وضع نقدینه ایران توان دولت را برای تأمین هزینه‌های خارجی خود تضعیف می‌کنیم افزون بر آن وضعیت مالی ایران نیز بدتر خواهد شد، زیرا بازپرداخت بدهی دولت ایران در سال ۱۹۹۶ طبق برنامه دو برابر عقب افتاده است.<sup>(۶)</sup> «کانون» معاون ضداطلاعات «سیا» نیز در این باره می‌گوید: علیرغم تکذیب‌های علنی مقامات ارشد ایران، تحریم‌ها ضربات موقت اقتصادی و روانی به تهران زده است. این تحریم‌ها، قیمت‌های داخلی تزلزل بازار مبادلات ارز را در تهران دامن زده است، رخدادهایی نیز شامل افزایش هزینه‌های مترتب بر یافتن خریداران تازه برای نفت ایران بر اثر تحریم‌ها در بخش نفت پدید آمده است،

تهران در صدد برآمد تا به جای صادرات غیرمستقیم از پایانه‌ها، در خارج از کشور به بازاریابی برای نفت خود بپردازد، نتیجه این امر افزایش هزینه‌های حمل و نقل و ذخیره‌سازی بوده است. ایران فروش فوری نفت خود را به مشتری‌های اروپایی و آفریقای جنوبی افزایش داد. تحریم‌ها موجب توقف پروژه‌های بزرگ عمرانی جدید یا ممانعت از امر تعمیر و نگهداری نخواهد شد. بلکه؛ حداکثر قیمت‌ها را بالا خواهد برد. حمایت قوی و پایدار سایر کشورها برای موفقیت تحریم ضروری است، تأثیر تحریم بر اقتصاد ایران در حداقل خواهد بود، مگر آنکه بسیاری از کشورها به این تحریم بپیوندند و یا از ارائه وام‌های قابل ملاحظه خودداری کنند، اما تا این تاریخ حمایت بین‌المللی اندک بوده است و تنها چند کشور مانند؛ اسرائیل، السالوادور، ساحل عاج از این تحریم حمایت می‌کنند. اما مراودات اقتصادی این کشورها با تهران محدود است. (۷) «کنت تیمرمن» در گزارشی که در ۲۴ فوریه ۱۹۹۶ در واشنگتن تایمز منتشر کرده، می‌گوید:

شرکت‌های نفتی آمریکا روزانه به طور متوسط ۶۱۳/۰۰۰ بشکه نفت در سال ۱۹۹۴ از ایران دریافت کرده‌اند، اکثر نفت‌های خریداری شده توسط این شرکت‌ها، براساس قراردادهای درازمدت و با قیمت ثابت صورت گرفته است. از دست دادن این معاملات، ایران را با زیان قابل توجهی مواجه کرده است. یکی دیگر از ضرباتی که به ایران وارد آمده است به تعویق افتادن غیرمنتظره قرارداد ذخیره ۴۵ میلیون بشکه نفت ایران، توسط آفریقای جنوبی در مسیر عرضه به بازارهای جهانی می‌باشد. تصمیمی که مقامات آمریکایی نقش مهمی در آن داشته‌اند. (۸)

به نظر فریدون فشارکی - یکی از تحلیلگران مؤسسه شرق و غرب - در «هرنولولو» از زمان شروع این تحریم در ژوئن ۱۹۹۵، احتمالاً فروش نفت ایران، روزانه صد هزار بشکه تقلیل یافته و با بودجه تعیین شده دولت ایران که بر اساس فروش بشکه‌ای ۱۵/۵ دلار محاسبه شده است، خسارات وارده به ایران بیش از ۳۲۵ میلیون دلار می‌باشد، طبق ارقام ارائه شده از جانب شرکت ملی نفت ایران، میانگین صادرات نفت این کشور در سال ۱۹۹۴، روزانه ۲/۵۷ میلیون بشکه بود و در سال ۱۹۹۵، پس از اینکه تأثیر کامل تحریم مزبور آغاز گردید، میانگین فروش نفت ایران به ۲/۵۰۶ هزار بشکه در روز تقلیل یافت که زیان وارده ۳۶۲ میلیون دلار خواهد بود. (۹)



## بی‌اثر بودن تحریم اقتصادی:

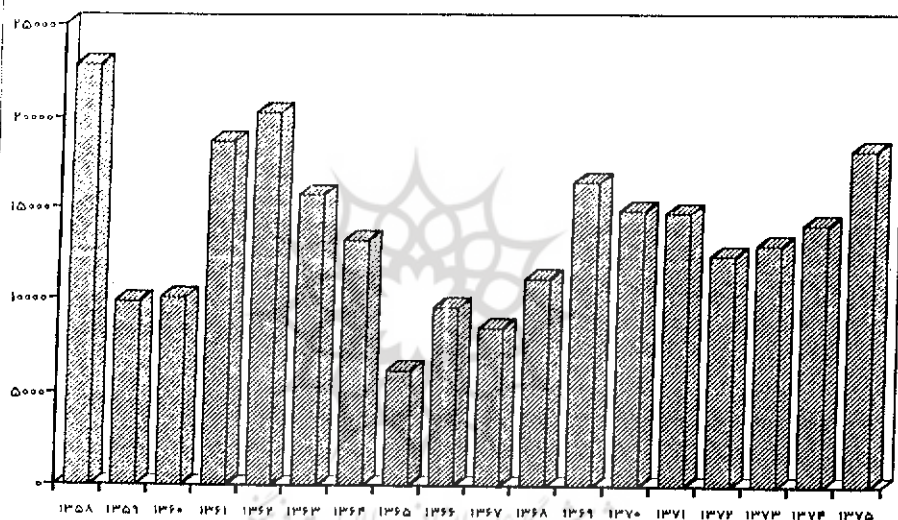
در مقابل طرفداران مهار ایران، عده‌ای اعتقاد دارند که تحریم اقتصادی ایران کارساز نبوده است. لاری گلدشتاین از بنیاد تحقیق در صنعت نفت - واقع در نیویورک که از مخالفین تحریم است - می‌گوید: تحریم نفتی ایران هزینه به فروش رساندن نفت را برای ایران افزایش داده است. او می‌گوید: آنها اکنون مجبورند برای تانکرهایی که نفت را در آنها انبار کرده‌اند، اجاره پرداخت کنند و قیمت نسبی نیز بشکله‌ای ۱۰ تا ۲۰ سنت ارزان‌گشته است اما در نهایت نفت ایران به فروش می‌رسد.<sup>(۱۰)</sup> جهانگیر آموزگار معتقد است که هنوز تحریم آمریکا به طور محسوسی مشکلات ایران را بدتر نکرده است، آثار تحریم آنها به قدر کافی نتوانست تغییرات قابل توجهی در رفتار ایران ایجاد کند. اثرات روانی تحریم این است که نشانه‌های کینه‌ورزی و مبارزه‌طلبی نسبت به آمریکا را افزایش داده است، بنابراین بدون یک توافق در میان متحدین آمریکا و جلب نظر روسیه و چین برای عدم کمک به ایران، تمامیت ارضی ایران، که پایان دادن به جمهوری اسلامی ایران است، به مخاطره نخواهد افتاد.<sup>(۱۱)</sup> شاید یک ارزیابی مقایسه‌ای از شرایط کنونی ایران شاخص‌هایی قطعی را بیان نکند، ولی اقتصاد ایران که تحت تحریم‌های آمریکاست به مراتب توانمندتر از بسیاری از کشورهای در حال توسعه‌ای است که از آمریکا کمک‌های اقتصادی دریافت می‌کنند.<sup>(۱۲)</sup> در ارتباط با بی‌اثر بودن تحریم‌های آمریکا علیه ایران، نظرات بسیار زیادی ارائه شده است که از ذکر آنها خودداری می‌گردد. اما در یک جمع‌بندی کلی، با عنایت به نکات زیر می‌توان گفت: تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران، آن گونه که طراحان استراتژی مهار دوجانبه دنبال آن بودند، بر اقتصاد ایران کارساز نبوده است.

## ۱- افزایش درآمد ارزی

بر اساس ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مربوط به سال ۱۳۷۵، درآمد ارزی جمهوری اسلامی ایران نسبت به سال‌های گذشته بیشتر بوده است. به جدول زیر توجه کنید:\*

ارقام به میلیون دلار

نمودار درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام ایران



«درآمد ارزی حاصل از صدور نفت و گاز در سال ۱۳۷۵، حدود ۱۹/۲ میلیارد دلار بوده است.»<sup>(۱۳)</sup> این امر حکایت از آن دارد که ایالات متحده نتوانست بازارهای نفت جهانی را بر روی نفت ایران مسدود کند. جهانگیر آموزگار در این زمینه می‌گوید: در هر جا که انتظار می‌رفت تحریم، ضربه‌ای کارساز بزند، با تعجب می‌بینیم که اثرات آن کمتر نمایان شده است. تولید روزانه نفت خام در سال‌های ۱۹۹۷ - ۱۹۹۶ از سالهای ۱۹۹۴ - ۱۹۹۳ بیشتر است. دریافتی‌های خالص ارزی ایران از محل فروش نفت قوس سعودی داشته است، سرمایه‌گذاریهای داخلی نیز به عنوان بخشی از تولید ناخالص

ملی افزایش نشان می‌دهد، کسر بودجه و بدهیهای خارجی و افت بازرگانی کاهش داشته است که از پیامدهای افزایش قیمت نفت و ارزش دلار پس از اعمال تحریمهاست.<sup>(۱۴)</sup> این افزایش درآمد ارزی در حالی صورت گرفت که ایران در وضعیت کامل تحریم اقتصادی از جانب آمریکا قرار داشت. سالهای گذشته (۹۴ - ۱۹۹۳) درآمد ارزی ایران وضعیت مطلوبی داشت. چونکه ایران در میان مهار آمریکا توانست نفت خود را به مشتریانش بفروشد. حتی شرکت‌های آمریکایی نیز خریدار نفت ایران بودند؛ به طوری که ۳۳٪ از مجموع ۳/۶ میلیون بشکه نفت در روز را، از ایران خریداری می‌کردند و روزانه، (بزعیم دولتمردان آمریکایی) ۲/۵ میلیون دلار درآمد ارزی ناشی از فروش نفت ایران عاید این کشور می‌شد.<sup>(۱۵)</sup> ایران از زمان کاهش قابل ملاحظه واردات در سال ۱۹۹۴ مازاد ارزی قابل توجهی در موازنه پرداخت‌های خود به دست آورده است. طی ۲ سال یعنی در مارس ۱۹۹۶، میانگین مازاد تجاری کشور، سالانه به حدود ۶ میلیارد دلار بالغ گردیده و میانگین مازاد کنونی حساب‌ها بیش از ۴ میلیارد دلار است. در پایان سال جاری ایرانی (۲۰ مارس ۱۹۹۷) مازاد تجاری ایران ظاهراً به ۶/۵ میلیارد دلار می‌رسد و موازنه حساب‌ها ۴ میلیارد دلار بستانکار نشان داد. بانک مرکزی با پشتوانه چنین مازادی توانسته است جریان بازپرداخت بدهی‌ها را - که تقریباً به ۵ میلیارد دلار در سال بالغ می‌شود - بدون هیچ‌گونه دشواری سامان دهد. در عین حال میزان ذخایر استراتژیک ارزی کشور به ۹ - ۸ میلیارد دلار افزایش یافته که در صورت سقوط قیمت نفت در بازارهای بین‌المللی پوششی کافی برای هزینه‌های اضطراری خواهد بود. در صورت وقوع چنین رویدادی، به دلیل بازار پرونقی که از اوایل ۱۹۹۶ برای نفت ایجاد شد، درآمد اضافه نفت نه فقط ذخایر ارزی کشور را افزایش می‌دهد بلکه؛ امر کاهش واردات را با هراسی کمتر از آنچه گمان می‌رفت میسر سازد. در سال ۹۵ - ۱۹۹۴ نرخ رشد اقتصادی، به جای افت، با یک افزایش ملایم همراه بود و در سال ۱۹۹۶ - ۱۹۹۵ نیز به ۳/۵ درصد رسید (طبق آمار رسمی) بانک مرکزی و صندوق بین‌المللی پول یک رشد ۴ درصدی برای امسال (۱۹۹۷) پیش‌بینی می‌کند.<sup>(۱۶)</sup> در سال ۱۹۹۶ (۱۳۷۵) از نظر فشار اقتصادی، عامل جدیدی در ایران احساس نشد. و برعکس به علت افزایش قیمت نفت وضع ارزی دولت بهبود یافته است.

براساس اعلام مدیر کل بین‌المللی وزارت نفت، ایران در شش ماهه اول این سال

توانسته است بیش از ۹ میلیارد و ۳۱۰ میلیون دلار از فروش نفت خام و فراورده‌های نفتی، درآمد ارزی کسب کند که ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار بیش از پیش‌بینی بودجه بوده است.<sup>(۱۷)</sup> به واسطه بهبود در تراز پرداخت‌های کشور (افزایش درآمد و تنزل واردات کشور، به حدود ۱۲ تا ۱۳ میلیارد دلار) ذخایر ارزی کشور از مرز ۱۰ میلیارد دلار تجاوز نمود. و بدهی‌های خارجی نیز به موقع پرداخت گردیده است.<sup>(۱۸)</sup> به نظر نمی‌رسد که لایحه تحریم آمریکاتوانسته باشد بر عملکرد اقتصاد کلان ایران تأثیر گذاشته باشد ولی می‌توان فرض کرد تأثیر آن بر مسئولان، این بوده که با احتیاط بیشتری عمل کنند. برای مثال؛ بلافاصله برای افزایش قیمت نفت مانع جدید ایجاد نکنند در مورد پرداخت بدهی‌های خارجی و به طور کلی روابط مالی خارجی با احتیاط عمل نمایند زیرا؛ هرگونه خطا کردن در این زمینه‌ها می‌تواند هزینه‌های قابل توجه اقتصادی و سیاسی به سیستم تحمیل کند ایران به رغم تحریم بین‌المللی که به وسیله یک قدرت اقتصادی مهم در جریان است با سرعت قابل توجهی اعتبار مالی بین‌المللی خود را باز می‌یابد، چنانکه؛ امروزه در گزارش‌های تحلیلی راجع به خطر سرمایه‌گذاری در ایران، ردیف ایران نسبت به سال گذشته (۱۳۷۵) بهبود یافته است.<sup>(۱۹)</sup> همان‌گونه که در فصل اول بیان شد، نفت بیشترین درآمد ارزی را به خود اختصاص داده است و تلاش آمریکا بر این بود که این شریان حیاتی را قطع کند تا به ایران ضربه کاری وارد سازد، اما به دنبال تحریم خرید نفت؛ ایران به فکر جایگزین کردن شرکت‌های آمریکایی افتاد و توانست خلأ ناشی از عدم خرید نفت از جانب آمریکا را جبران کند بدان سان که فروش نفت در سال ۱۹۹۶ نسبت به سال ۱۹۹۵ افزایش داشته و پیش‌بینی شده است که در سال ۱۹۹۶-۷ بیشتر شود، که این امر می‌تواند کل شاخص‌های اقتصادی ایران را تحت تأثیر قرار دهد.

## ۲- افزایش سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در ایران:

یکی دیگر از شاخص‌هایی که نشان می‌دهد اقدامات آمریکا برای مهار ایران بی‌تأثیر بوده است، سرمایه‌گذاری شرکت خارجی برای توسعه میدان‌های نفتی و گازی ایران می‌باشد. بر اساس قانون «داماتو» هر شرکت خارجی که بیش از چهل میلیون دلار در ایران سرمایه‌گذاری کند، مشمول مجازات خواهد گردید. اما برخلاف این تصمیم

آمریکا، ایران تاکنون چندین طرح مهم در زمینه انرژی با کشورهای منطقه منعقد نموده است که از آن جمله می‌توان به طرح خط لوله گاز ترکیه، نفت قزاقستان، پالایشگاه پاکستان، مشارکت شرکت پتروناس مالزی در پروژه جزیره سیری با مشارکت توتال فرانسه و شرکت گاز پروم روسیه، و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز دریای خزر بین ایران و روسیه و ترکمنستان اشاره نمود.<sup>(۲۰)</sup> در فصل مربوط به اقدامات و مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال تحریم آمریکا، پیرامون قراردادهایی که قبلاً ذکر گردید، بحث شد. آمریکا که سعی می‌کرد نهضتی جهانی علیه ایران به راه اندازد، پس از بی‌اعتنایی قدرت‌های بزرگ اقتصادی جهان در پیوستن به تحریم تجاری یک طرفه کاخ سفید علیه ایران، روز یکشنبه پنجم خرداد ۷۶ اعلام کرد که با اجرای بزرگترین خط انتقال گاز ترکمنستان، از طریق ایران به اروپا مخالفتی ندارد. شرکت‌های نفتی آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز پیش از این، طرح کاخ سفید برای تحریم تجاری ایران را شکست خورده توصیف کرده و از رهبران آمریکا خواسته بودند تا برای جبران شکست خود تحریم تجاری را لغو کند.<sup>(۲۱)</sup> بنابراین لایحه تحریم داماتو نیز، نتوانسته است سرمایه‌گذاری را در صنعت نفت ایران متوقف کند؛ چرا که قبل از تصویب لایحه، پیشنهاد جدی مطرح نبوده ولی با فشاری که این لایحه ایجاد کرد، دولت ایران را به سمت یک سلسله توافقات نفتی دیگر راغب نمود که در نتیجه این توافقات و در صورتی که به مرحله اجرا درآیند، صنعت نفت و گاز ایران، کمی از حالت ارتباط خارج از منطقه خود بیرون آمده و ارتباط منطقه‌ای افزایش یافته و زمینه کار گسترده‌تر می‌شود و این موضوع در افزایش انتخاب‌های ایران تأثیری بسزا دارد.<sup>(۲۲)</sup>

### ۳- به بار نشستن پروژه‌های بزرگ زیربنایی:

از نظر داخلی، به رشد اقتصادی - که برنامه دولت آقای هاشمی رفسنجانی از ابتدای ریاست جمهوری ایشان بود - تأکید بیشتری می‌شد و بسیاری از میوه‌های این سازندگی درست در همین زمان به بار نشست. در نتیجه به‌طور غیرمستقیم سیاستی که می‌خواست از نظر اقتصادی ایران را تضعیف کند،<sup>(۲۳)</sup> بی‌نتیجه بود. به عنوان نمونه، می‌توان به پروژه‌هایی نظیر پالایشگاه بزرگ بندرعباس، سد کارون، راه آهن سرخس - تجن - مشهد اجاره نمود. که اینها نشان دهنده آن است که تحریم اقتصادی آمریکا

نتوانست، خللی در روند بازسازی و سازندگی ایران ایجاد کند. افتتاح راه‌آهن بین سرخس ایران و عشق‌آباد ترکمنستان در ماه مه ۱۹۹۶، که در مراسم آن نمایندگان و سران بیش از ۴۰ کشور جهان شرکت داشتند، از سوی ایران موفقیتی در قبال تحریم‌های آمریکا توصیف شد و همچنین رهبران ایران حضور ۱۵۰۰ شرکت از ۵۴ کشور جهان در نمایشگاه بین‌المللی ۱۹۹۶ را، شکستی برای آمریکا و تحریم‌های این کشور نامیدند. (۲۴)

### ج - تأثیر سیاسی

سیاست ایالات متحده در قبال ایران، با هدف انزوای سیاسی در سطح بین‌المللی منطقه‌ای و داخلی نیز بی‌تأثیر بوده است. چرا که این کشور نتوانست نظر متحدان خود را برای منزوی کردن ایران جلب کند. گراهام - ای - فولر - تحلیلگر ارشد سیاسی و معاون پیشین شورای ملی اطلاعات در سازمان جاسوسی آمریکا - و یان. او. لسر - عضو اسبق برنامه‌ریزی سیاست‌گذاری در وزارت خارجه آمریکا - که جزئی مخالفین سیاست مهار بوده‌اند - با نگارش مقاله‌ای در نشریه «فارین افرنز» تحت عنوان «افسانه‌های خلیج فارس» اعتقاد دارند؛ سیاست مهار دو جانبه به پایان راه خود که یک بن‌بست است، رسید. اکثریت متحدان و اشنگتن معتقد بودند، که آمریکا از ایران یک غول ساخته است و با همین استدلال به جهت شناخت آمریکا از ایران به عنوان تهدیدی اصلی برای امنیت بین‌المللی متحدان آمریکا، روابط نزدیک اقتصادی خود را با ایران متزلزل نکردند. آمریکا در منزوی ساختن ایران به طور علنی و قانونی، همه توان و کارتهای برنده خود را به کار گرفته است. (۲۵) آنها همچنین معتقد هستند که با سیاست‌های مهار، حتی می‌توانند دشمنان سنتی یکدیگر را به دلیل بیم از رویارویی با آمریکا به سوی یک اتحاد تاکتیکی سوق دهد. (۲۶) از نظر گراهام فولر، اهمیت موقعیت کنونی ایران در جهان، بیشتر از جهت گسترش نفوذ معنوی جمهوری اسلامی در سایر کشورهای مسلمان و توانایی آن در ایجاد بی‌تابی، در کشورهای چینی و مصر و الجزایر است. فولر با تأکید بر همین نکته، عنوان مقاله خود را جاذبه ایران گذاشته و معتقد است که آمریکا با تلاش برای منزوی کردن ایران از نظر سیاسی و اقتصادی از این جاذبه نخواهد کاست. (۲۷)

ریچارد مورفی، برژینسکی و اسکوکرافت (مقامهای سیاسی و امنیتی آمریکا) بر این باورند که سیاست یک جانبه تحریم ایران کارساز نبوده و تلاش برای وادار ساختن دیگر دولت‌ها به پیروی از سیاست‌های آمریکا اشتباه بوده است. قلدری فرامرزی سبب بروز شکاف غیرضروری میان آمریکا و متحدان اصلی آن شده است و نظم و تجارت آزاد بین‌المللی را که آمریکا مشوق آن بوده، به مخاطره انداخته است و یکی از جنبه‌های منفی سیاست کنونی آمریکا زیانی است که از دسترسی بیشتر آمریکا به منابع انرژی در آسیای مرکزی، متوجه منافع آمریکا می‌شود.<sup>(۲۸)</sup> آمریکا در این سیاست خیلی ناشیانه عمل کرد، چرا که، به جای اینکه ایران منزوی شود، خود را منزوی کرده است. به عقیده اعضای شورای روابط خارجی آمریکا، ائتلافی که در جنگ خلیج فارس «صدام» را شکست داده بود، در حال گسستن است. تشدید تحریم‌ها در مورد ایران گرچه صدماتی به اقتصاد ایران زده بود، اما دستاورد عمده‌ای نداشت و آمریکا را نخست به انزوا کشاند و ادامه آمادگی و توانایی برخی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس و دیگران، در کمک به اجرای این سیاست‌ها محل تردید است.<sup>(۲۹)</sup> این سیاست پیش از آنکه یک استراتژی باشد، یک شعار است و برای مدت زیادی دوام نخواهد یافت و همچنین بر تلاش برای انزوای هر دو کشور قدرتمند خلیج فارس یعنی ایران و عراق استوار می‌باشد که فاقد کارایی استراتژیک بوده و از نظر مالی و دیپلماتیک نیز با هزینه‌های سنگین همراه است.<sup>(۳۰)</sup> سیاست مهار دوجانبه به عنوان محور استراتژی آمریکا در قبال ایران و عراق، از هم پاشیده است. متحدان آمریکا در غرب و اروپا، از این سیاست حمایتی مؤثر نکرده‌اند و اختلافات داخلی در درون شورای همکاری خلیج فارس روبه افزایش است، آثار بالقوه بی‌ثباتی در عربستان سعودی در سطحی گسترده مشاهده می‌شود و تزلزل در روند صلح و سازش در خاورمیانه فشار جدید بر رژیم‌های خلیج فارس وارد می‌آورد.<sup>(۳۱)</sup>

با وجود اعمال فشارهایی از سوی ایالات متحده علیه ایران و عراق، هنوز خطر ایران و عراق به عنوان دو دولت سرکش از بین نرفته است و در حقیقت، استراتژی مهار دوجانبه به شکل فزاینده‌ای مشخص کرده که ایالات متحده؛ به عنوان یک دولت حامی نظامی دولت‌های خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی است. این نقش انتقادهای داخلی و خارجی از رژیم‌های خلیج فارس را بیشتر کرده است. مهار دوگانه، افزایش

هزینه، کاهش ظرفیت تولیدات نفت، تقویت نیروهای رادیکال و نیز افزایش انگیزه تلاش نظامی‌گری، به ویژه بین ایران، عراق و چین را افزایش داده است.<sup>(۳۲)</sup> ایران هنوز با کشورهای اتحادیه اروپا، روابط تجاری بازرگانی دارد با این وجود دربارهٔ سلمان رشدی و قضایای دیگر حقوق بشر، اختلاف تحت‌اللفظی دارند.<sup>(۳۳)</sup> عدم هماهنگی بین متحدین آمریکا که مارتین ایندایک - طراح استراتژی مهار - آن را عدم توازن ساختاری بین روش‌های مقابله با ایران و عراق می‌نامد، سبب شده است که وی صراحتاً اعتراف کند که جامعه بین‌الملل در مقابله با عراق، با موفقیت‌هایی روبه‌رو شد، اما در مواجهه با ایران، ناکام بوده است.<sup>(۳۴)</sup> برژینسکی ضمن تأکید بر بی‌اثر بودن سیاست آمریکا در قبال ایران و نیز پافشاری بر اینکه آمریکا نباید ایران را در انزوا قرار دهد، می‌گوید: اگر در دو دههٔ آینده، نه تنها خواهان ثبات در منطقه خلیج فارس بلکه دستیابی به آسیای مرکزی و کشورهای شمالی‌تر منطقه با ذخایر عظیم نفتی آنها هستیم، نیازمند آنیم که با ایران روابط استراتژیک داشته باشیم.<sup>(۳۵)</sup> از سیاست مهار کنونی ما، چیزی جز این باقی نمانده است که حکومت ایران را یک حکومت سرخ بشماریم و از آن دوری جوئیم، ولی این سیاست در درازمدت پایدار نخواهد ماند.<sup>(۳۶)</sup> با توجه به مطالب فوق و عنایت به نکات زیر می‌توان نتیجه گرفت که سیاست مهار آمریکا در قبال ایران، از بعد خارجی ناکام بوده است.

۱- عدم همراهی متحدین آمریکا، به ویژه اتحادیه اروپا و کشورهای صنعتی با این کشور، مانع از تحریم همه جانبه ایران گردید، چرا که اهمیت ایران به عنوان یک کشور مهم و استراتژیک در منطقه و ضرورت حضور آن در صحنه مبادلات منطقه‌ای و جهانی، یکی از عوامل عدم همراهی کشورها با سیاست‌های ضد ایرانی آمریکا می‌باشد. حقیقت این است که ایالات متحده در موقعیتی نیست که بتواند کشورهای متحد خود را در برخورد با ایران متقاعد سازد و از سوی دیگر، مشکل ایران با آمریکا به گونه‌ای نیست که تأثیر آن صلح و ثبات بین‌المللی را خدشه‌دار کند و استراتژی مهار دو جانبه از بعد خارجی هیچ‌گونه تأثیر جدی و اساسی را متوجه نظام جمهوری اسلامی ایران نکرده است و صرفاً تأثیرات کوتاه مدت و مقطعی را به دنبال داشته است. پس تا زمانی که سایر کشورها از همراهی با آمریکا خودداری نمایند و ایران نیز به طرح‌های زیربنایی و بهبود روابط با اروپا و کشورهای منطقه مبادرت ورزد، دکترین مهار ایران



و طرح داماتو محکوم به شکست است. تأکید وزارت امور خارجه آمریکا بر این موضوع است که تعدادی از دولت‌های ارزیابی، اقدامات سخت‌گیرانه‌ای را علیه ایران اعمال کنند. در این صورت احتمالاً این امکان برای ما وجود خواهد داشت که تحریم‌های اعمال شده علیه شرکت‌های این کشورها را کنار بگذاریم که این عاملی اساسی در جهت درگیری اروپا و آمریکا و نیز عقب‌نشینی آشکار آمریکا می‌باشد.<sup>(۳۷)</sup> از این منظر می‌توان روابط بسیار خوب ایران با روسیه، ژاپن، چین و نیز روابط توأم با فراز و نشیب کشورهای اتحادیه اروپا را مورد توجه قرار داد، که ایران در سطح عالی با این کشورها روابط حسنه دارد.

۲- از نظر سیاسی ایران بیش از گذشته فعال بوده و نقش ویژه‌ای را در آفریقا و افغانستان ایفا نمود که به خوبی نشان دهنده اهمیت ایران در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای و روابط گسترده این کشور بود؛ نه نشانه انزوای ایران. همچنین ایران توانست نقش مهمی را در حل منازعات منطقه‌ای نظیر؛ قره‌باغ و تاجیکستان ایفا کند. ریچارد مورفی با تأکید به نقش ارزنده ایران در حل مسائل منطقه‌ای می‌گوید: «در این سیاست آمریکا یعنی سیاست مهار، نقش پیچیده و غالباً مثبت ایران در آسیای مرکزی و خاورمیانه نادیده گرفته شده است. ایرانی‌ها با میانجیگری در تاجیکستان، به توافق صلح میان طرفین درگیر در جنگ داخلی این کشور کمک کردند. ایران در جنگ خلیج فارس با اشغال کویت مخالفت ورزید و از تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل برضد عراق پشتیبانی کرد.»<sup>(۳۸)</sup> از رژیم‌های آمریکا آن را «یاغی» اعلام کرده است، بارها دعوت شده در مناقشات بین‌المللی میانجیگری کند. دعوت از ایران برای میانجیگری و حل و فصل مناقشات آذربایجان و ارمنستان، سودان، اوگاندا و چندین کشور دیگر، از چشم جهانیان پوشیده نماند. ایران همچنین نقش فعالی در میانجیگری میان طرفین درگیر در جنگ داخلی عراق و بوسنی و دیگر نقاط جهان داشته است. به رغم مخالفت‌های واشنگتن، نمایندگان ایران به ریاست کمیته‌های مختلف سازمان ملل و ارگان‌های وابسته به آن برگزیده شدند. در دسامبر سال ۱۹۹۶، دادگاه بین‌المللی لاهه با رأی ۱۴ رأی موافق در مقابل دو رأی به حقانیت ایران در مورد انهدام یک سکوی نفتی ایران در خلیج فارس، در سال ۱۹۸۷ به وسیله نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه رأی داد. قدرت تهران امروز در مورد توانایی اقتصادی برای بررسی عضویت در سازمان تجارت

جهانی، از احساسی آکنده از اعتماد به نفس برخوردار است. (۳۹)

۳- موفقیت ایران در کنار کردن روند سازش بین اعراب و اسرائیل نشان دیگری از بی‌اثر بودن سیاست آمریکا، برای منزوی کردن ایران در سطح بین‌المللی است. ایران همواره با روند صلح با اسرائیل مخالفت کرده و از آن، به عنوان صلحی ظالمانه نام می‌برد. پافشاری ایران برای توقف روند صلح و به دنبال آن اقدام رژیم صهیونیستی برای توسعه شهرک‌های یهودی نشین، تصمیم این رژیم برای تغییر پایتخت این کشور از تل‌آویو به بیت‌المقدس چشم اعراب را برانگیخت و سرانجام کشورهای عضو کنفرانس اسلامی و اتحادیه عرب را به واکنش واداشت، به گونه‌ای که بیشتر کشورهای عربی، دفتر نمایندگی خود در اسرائیل را تعطیل کردند. در ادامه همسویی کشورهای عربی با مواضع برحق ایران بود که اکثر کشورهای عربی، گردهمایی کشورها در دوحه قطر با عنوان «توسعه همکاری‌های رژیم اسرائیل و آفریقا» را تحریم کردند که این خودگامی برای به کرسی نشاندن رأی جمهوری اسلامی ایران در عرصه منطقه محسوب می‌گردد.

۴- برگزاری هشتمین کنفرانس سران کشورهای اسلامی در ۱۹۹۷ در تهران، علامت دیگری بر شکست ایالات متحده در به انزوا کشاندن جمهوری اسلامی ایران است. در این کنفرانس که از تاریخ ۱۸ تا ۲۰ آذر ۱۳۷۶ در تهران برگزار شد، سران و مقامات بیش از پنجاه کشور اسلامی شرکت کردند. این در حالی بود که از زمان شکل‌گیری تصمیم برگزاری کنفرانس در تهران، آمریکا تلاش می‌کرد که با ناامن جلوه دادن اوضاع داخلی ایران، کشورهای اسلامی را از برگزاری این کنفرانس در تهران منصرف کند، ثانیاً این کشورها را لاقط در حد سران، از شرکت در این کنفرانس باز دارد. چنان که به گفته کارشناسان ارشد سیاسی و امور بین‌المللی، تعدادی از مقامات کشورهای اسلامی، از ایران خواسته بودند که بیهوده برای برگزاری کنفرانس تلاش نکنند، چرا که آمریکا مخالف برگزاری کنفرانس در تهران است. گذشته از موضع‌گیری‌ها و صدور قطعنامه در این کنفرانس، حضور ۲۹ نفر از سران کشورهای اسلامی در این کنفرانس بسیار حایز اهمیت است. که نشان دهنده موقعیت جمهوری اسلامی ایران در میان تهاجم گسترده سیاسی ایالات متحده به این کشور، و عدم توجه کشورهای اسلامی به خواسته‌های نامشروع آمریکاست. این در حالی بود که در اجلاس هفتم که در مراکش

برگزار شده بود، سران بیست و پنج کشور در آن حضور داشتند.

### تأثیر سیاست مهار دو جانبه بر اوضاع داخلی ایران

یکی از اهدافی را که آمریکا در ارتباط با ایران دنبال می‌کرد این بود که با تحریم اقتصادی و بین‌المللی بر ایران و در تنگنا قرار دادن این کشور از لحاظ اقتصادی، زمینه را برای نارضایتی عمومی در ایران فراهم کند تا علاوه بر فشارهای خارجی؛ در داخل نیز فشارهای مردمی را علیه نظام جمهوری اسلامی ایران اعمال کند تا بتواند رفتار جمهوری اسلامی را در سطح مسائل مورد علاقه آنها، تغییر دهد، اما در این زمینه هم ناکام بوده است. زیرا در صورت موفقیت سیاست تحریم به واسطه فشارهای بین‌المللی و اقتصادی، باید نارضایتی عمومی در ایران افزایش پیدا می‌کرد و فشار از این طریق بر دولت بیشتر می‌شد، ولی فشارهای اقتصادی و بین‌المللی به جهت این سیاست افزایش پیدا نکرد تا موجب نارضایتی گردد.

اصولاً به نظر می‌رسد که مردم ایران ارتباط چندانی بین این سیاست و احیاناً کمبود و نارسایی‌های موجود در کشور برقرار نمی‌کنند و موضوع آمریکا و ارتباط با آمریکا هر روز بیشتر در مسائل سیاسی و اقتصادی ایران فرعی می‌گردد. افکار عمومی، نسبت به مسائل امنیتی در مقایسه با مسائل سیاسی و اقتصادی چون؛ تورم و مشارکت سیاسی و وضعیت مطبوعات حساسیت کمتری دارد.<sup>(۴۰)</sup> «هنری کسینجر» در سمیناری در سانفرانسیسکو گفت: آمریکا در متزلزل کردن اوضاع داخلی ایران ناتوان است، مگر اینکه کلینتون بخواهد منطقه را بار دیگر اما به شکل فاجعه‌آمیزی بحرانی کند. ماهیت نظام حاکم بر ایران پیچیده‌تر از آن است که تهیه‌کنندگان گزارش‌های سنتی و کلاسیک ترسیم می‌کنند. آمریکا باید نهایت زور خود را بزند تا بتواند متحدینش را نسبت به تحریم اقتصادی ایران متقاعد سازد.<sup>(۴۱)</sup>

«هوشنگ امیر احمدی» پژوهشگر دانشگاه رادگرن آمریکا نیز اعتقاد دارد که: «بعید است که جمهوری اسلامی ایران زیر فشار تسلیم شود، بلکه برعکس به عقیده من این تدابیر آمریکا سبب خواهد شد که نیروهای ضد آمریکایی و تندروها در داخل ایران، تقویت شوند و این سناریویی است که به اهداف آمریکا کمک نمی‌کند.»<sup>(۴۲)</sup> ایالات متحده از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، همواره در صدد بود تا با توسل به انواع ترفندها، اوضاع

داخلی ایران را متشنج کند و از آن سود ببرد. ایجاد جنگ داخلی در کردستان، آذربایجان، گنبد، کودتای نوژه و در نهایت جنگ تحمیلی، از این حربه‌ها بود. اما نتوانست به هدف خود دست یابد، چرا که مردم در صحنه بودند و انقلاب اسلامی را از آن خود می‌دانستند. در دوران پس از جنگ نیز، مردم دو برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی را تحمل کردند. گرچه این برنامه‌ها به دلیل سوء مدیریت و عدم پاسخگویی ساختار اقتصادی ایران با برنامه توسعه، مشکلاتی را بر قشر عظیمی از مردم ایران وارد کرد، اما مردم همه این مشکلات را تحمل کردند و همچنان حمایت خود را از انقلاب اسلامی اعلام نمودند که اوج این حمایت‌ها، حضور بیش از ۲۹ میلیون نفر از مردم ایران در انتخابات ریاست جمهوری در دوم خرداد ۱۳۷۶ (ماه مه ۱۹۹۷) بود. پس از این انتخابات، ریچارد مورفی در مقاله‌ای در روزنامه واشنگتن پست نوشت: «انتخابات اخیر ایران نشان داد که ما در مورد سیاست داخلی ایران چقدر بی‌اطلاع بوده‌ایم. بر هیچ کس پوشیده نیست که وقتی خاتمی توانست در انتخابات دوم خرداد، ۶۹ درصد از آرای مردم را از آن خود کند، واشنگتن غافلگیر شد. چنانچه پیروزی خاتمی را نتیجه سیاست مهار آمریکا بدانیم و نتیجه‌گیری کنیم که تنها عمل لازم، به منظور یاری رساندن به خاتمی برای پیشرفتی سازنده‌تر، ادامه این فشار است سخت در جهل و اشتباه هستیم».<sup>(۴۳)</sup>

### دست‌آورد نظامی

تحریم نظامی ایران از جانب آمریکا، در واقع زودتر از تحریم اقتصادی شروع شده بود، چرا که؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایالات متحده میلیاردها دلار از تسلیحات نظامی خریداری شده توسط ایران را در آن کشور، بایکوت کرد که نقطه شروعی برای تحریم نظامی ایران محسوب می‌شد. و ممنوعیت سلاح، به ویژه سلاح‌های پیشرفته به ایران همچنان ادامه دارد. اما هیچ‌گونه تأثیری بر بنیه دفاعی ایران نگذاشت.

«هرالد تریبون» در ۱۱ نوامبر ۱۹۹۲ نوشت: «شرکت‌های اروپایی، آسیایی و آمریکایی، با مشاهده کوشش‌های زیاد ایران برای تجهیز انقلاب اسلامی به علوم جدید و شکوفایی اقتصادی، تازه‌ترین تکنولوژی‌های روز را به سوی این کشور سرازیر کرده‌اند. از تکنولوژی‌هایی که در اختیار ایران قرار گرفته است، می‌توان از تجهیزات

آزمایش رادار، تجهیزات دریایی و هوایی، دستگاه تجزیه و تحلیل منطق، الیاف‌های نوری، کلیدهای دیجیتالی، کامپیوترهای سریع و موتورهای جت یادکرد. گرچه این تکنولوژی‌ها را برای استفاده غیرنظامی چون فرودگاه‌های جدید و شبکه‌های تلفن سفارش داده‌اند، اما مقامات غربی معتقدند که این تکنولوژی‌ها را به راحتی می‌توان به منظور نظامی هم به کار برد.<sup>(۴۴)</sup> آقای آموزگار در مقاله‌ای که به ارزیابی تحریم آمریکا علیه ایران پرداخت، معتقد است که ایران از نظر نظامی نسبت به سال ۱۹۸۹، نیرومندتر است و از بسیاری از متحدان آمریکا در منطقه، کمتر آسیب‌پذیر می‌باشد.<sup>(۴۵)</sup> با وجود تحریم تسلیحاتی آمریکا علیه ایران، هنوز در مورد توانایی‌های نظامی این کشور در محافل سیاسی نظامی آمریکا نگرانی وجود دارد. گری سیک - عضو اسبق شورای امنیت ملی آمریکا - می‌گوید: در بین افرادی که در زمینه منع تکثیر سلاح‌های اتمی کار می‌کنند، این نظر متداول است که اگر کشوری مشکوک به داشتن یک برنامه اتمی باشد، پس حتماً یک برنامه اتمی دارد. این داوری براساس تجربه است که تقریباً هر کشوری، مشکوک به داشتن برنامه اتمی بوده، بعدها حتماً چنین برنامه‌ای داشته است. عراق، پاکستان و آفریقای جنوبی و هر کشور دیگری، چنین برنامه‌ای را تکذیب کرده است و آنها گفته‌اند: ما کاری نمی‌کنیم و آنچه انجام می‌دهیم، صلح‌آمیز است. در مورد ایران؛ ایراد گرفتن از برنامه اتمی آن دشوار نیست زیرا؛ ایران انواع دیگر و کارآمدتری از انرژی را در اختیار دارد و همچنین از بهترین کشورهای است که می‌تواند این تکنولوژی‌ها را به کار گیرد.<sup>(۴۶)</sup>

«گراهام فولر» می‌گوید: به طور قطع می‌دانم که ایران با جدیت به دنبال کسب توان یا تسلیحات هسته‌ای است و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد، پس ما باید به شدت مراقب حرکت‌های آن باشیم.<sup>(۴۷)</sup>

«آنتونی کوردزمن»<sup>\*</sup> در زمینه بی‌اثر بودن تحریم آمریکا علیه ایران می‌گوید: ایرانی‌ها در اواسط دهه ۸۰، برنامه ساخت تولید تسلیحات شیمیایی را به صورت گسترده آغاز کرده‌اند و هم‌اکنون نیز این برنامه بی‌وقفه ادامه دارد و ما هر تحریمی هم که اعمال کرده‌ایم، تنها تأثیری محدود داشته است، به‌طور قطع ما سعی کرده‌ایم کاری کنیم تا آنها دیرتر به موشک دست یابند، ولی آنها از کره شمالی موشک‌های مورد نیاز

را دریافت کرده‌اند، هم‌اکنون نیز قرار است تکنولوژی تولید موشک را از کره شمالی و چین دریافت دارند.<sup>(۴۸)</sup> او همچنین می‌گوید: ایران بتدریج مشغول ساخت شبکه دفاع هوایی است، چنانچه روسیه موشک‌های سام - ۱۰ به آن کشور که دو سال است برای دریافت آنها تلاش می‌کند بفروشد، ما قادر خواهیم بود برای خنثی کردن آنها اقدام کنیم ایران بطور قطع و یقین بنیه نظامی خود را از نظر تعداد تانک دو برابر خواهد کرد. این کشور در حال تبدیل شدن به یک خطر نظامی مسلم است که در آن بزرگترین نیروی غیرمتعارف جهان یعنی؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کار گرفته می‌شود.<sup>(۴۹)</sup>

آمریکا در راستای تحریم نظامی ایران، در مورد انعقاد قرارداد ایران با روسیه در زمینه تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر - با این تصور که ایران از آن در زمینه ساخت سلاح‌های هسته‌ای استفاده خواهد کرد - تلاش‌های گسترده‌ای را آغاز کرد تا روسیه را وادار کند که قرارداد یک میلیارد دلاری با ایران را لغو نماید. اما در این زمینه نیز موفقیتی کسب نکرد. بیل کلینتون برای لغو قرارداد روسیه با ایران در سال ۱۹۹۴، سفری به مسکو داشت، اما او نتوانست همکاری هسته‌ای روسیه با ایران را متوقف سازد، بلکه آنچه که بدان دست یافت تعهد یلتسین به فروش سیستم گریز از مرکز بود که آن نیز از ابتدا بین ایران و روسیه توافق نشده بود. به این ترتیب کلینتون مانند کودکی که با یک آب‌نبات خشنود می‌شود، راضی به آمریکا بازگشت، به خیال آب‌نباتی که با توجه به بی‌اعتنایی جامعه بین‌الملل به تحریم واشنگتن علیه ایران، شیرینی چندانی نداشت.<sup>(۵۰)</sup> یکی از مقامات ارشد وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) اعلام کرد که تلاش‌های نظامی اخیر ایران، در واقع نشان دهنده این موضوع است که رهبری ایران، به شدت و به‌طور جدی در پی یافتن جایگاهی برتر در منطقه آن هم با حداقل هزینه ممکن است. جالب اینکه، این تلاش‌ها زمانی صورت می‌گیرد که ایران از لحاظ اقتصادی با برخی مشکلات جدی روبه‌رو شده است.<sup>(۵۱)</sup>

#### ه- تأثیر سیاست آمریکا بر اهمیت ژئوپلیتیکی ایران

به رغم تلاش‌های آمریکا برای کم اهمیت جلوه‌دادن موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، همچنان کشور ما به لحاظ جغرافیای سیاسی برای کشورهای منطقه حایز اهمیت بسیار است و کشورهای نظیر؛ قزاقستان، ترکمنستان، ترکیه، ایران را امن‌ترین، راحت‌ترین و

سریع‌ترین مسیر انتقال نفت و گاز به سایر کشورها می‌دانند. و علیرغم فشارهای آمریکا نیز، قرارداد چندین میلیارد دلاری با ایران امضا کردند.

آمریکا معتقد است که به رغم تمایل خود و موافقت اکثر کشورهای منطقه و شرکت‌های نفتی، با گذاشتن خطوط لوله نفت قفقاز از خاک ایران، به دلیل عملی بودن و مقرون به صرفه بودن آن نباید اجازه چنین اقدامی را داد؛ زیرا راه را برای نظارت انحصاری روسیه به این خطوط باز می‌کند.<sup>(۵۲)</sup>

«جفری کمپ» رئیس پیشین امور خاورمیانه در شورای امنیت ملی آمریکا، در مورد ویژگی‌های ژئوپلیتیکی ایران نوشت: «ایران از چنان اهمیتی برخوردار است که آمریکا نه می‌تواند آن را نادیده بگیرد و نه می‌تواند آن را منزوی سازد.» دسترسی به نفت خلیج فارس برای جهان صنعتی دارای اهمیت حیاتی است وابستگی غرب به این منطقه با کاهش تولیدات منابع نفتی دیگر افزایش خواهد یافت. کنترل خلیج فارس از طرف هر قدرت مخالف یا غیرقابل اعتماد خطر جدی برای منافع جهان غرب به وجود خواهد آورد. ایران در این منطقه، از موقعیتی به مراتب حساس‌تر از عراق برخوردار است و هر رژیمی بر سرکار باشد، اهمیت ژئوپلیتیکی آن بر سر جای خود باقی است. موقعیت جغرافیایی ایران، این کشور را خواه ناخواه درباره مسائل مربوط به خلیج فارس در یک موضع کلیدی قرار می‌دهد. این واقعیت انکارناپذیر است که آمریکا نمی‌تواند نسبت به آنچه در ایران می‌گذرد، بی‌تفاوت بماند.<sup>(۵۳)</sup> در برابر تلاش گسترده برای محاصره اقتصادی و سیاسی ایران، عوامل جغرافیایی در خلیج فارس به سود ایران است. ایران بزرگترین کشور منطقه است؛ چه از دید جمعیت و چه از نظر طول کناره‌ها، کنترل ایران توسط حساس‌ترین راه‌های دریایی و جزیره‌های استراتژیک پراهمیت در تنگه هرمز و حیاتی بودن منافع اقتصادیش در منطقه، در مجموع حکایت از حضوری ژئوپلیتیک این کشور در خلیج فارس دارد که به مراتب، بزرگتر از آن است که تحت‌الشعاع تاکتیک‌های محاصره قرار گیرد. گرچه خلیج فارس شاه‌رگ حیاتی ایران است و گرچه ایران به همکاری با کشورهای عربی در خلیج فارس علاقه دارد، ولی برای به حداکثر رساندن منافع خود در منطقه، چندان وابسته به همکاری دیگران نیست.<sup>(۵۴)</sup> همچنین ایران ارتباط هوایی با کشورهای آسیای مرکزی را گسترش داده و از ۱۳ مه ۱۹۹۶ راه آهن مشهد - سرخس - تجن دایر شده است.

افتتاح این راه آهن که شبکه‌های راه آهن آسیایی و آسیای مرکزی را از ایران به خلیج فارس و اروپا وصل می‌کند، گام بزرگی در پیشرفت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک منطقه محسوب شده و مورد استقبال عمومی قرار گرفته است. این راه آهن که دسترسی به خلیج فارس و اروپا را برای کشورهای منطقه خزر - آسیای مرکزی میسر می‌سازد، می‌تواند در حکم گشوده شدن پنجره‌ای به سوی نقش آفرینی ژئوپولیتیک بسیار پویاتر ایران در گستراندن پیوندهای آینده میان دریای خزر، آسیای مرکزی و خلیج فارس باشد.<sup>(۵۵)</sup> در تحلیل نهایی، استراتژی نادیده گرفتن مقام ژئوپولیتیک ایران در شرایط کنونی از سوی برخی از آگاهان، با سردرگمی سال‌های ۷۳-۱۹۷۱ - ناشی از پدیده نخستین ضربه نفتی - قابل مقایسه است. در آن دوران سیاستمداران در ایالات متحده، سیاست نادیده گرفتن منافع اقتصادی درازمدت، کمپانی‌های باختر زمین را پیش گرفتند و مشکل موجود را به بحران تبدیل کردند و هم اکنون نیز این استراتژی، سردرگمی مشابهی را در برخورد میان پای‌بندی آمریکا به پشتیبانی از خواست‌های سیاسی اسرائیل در خاورمیانه از یک سو، و منافع واقعی خود آمریکا و اتحادیه اروپا و دوستان عرب آنها در مقام ژئوپولیتیک نوین ایران از سوی دیگر، دامن می‌زند. این مقایسه می‌تواند حقیقت نهفته در داوری بنیادی پروفیسور «ادیت پنروز» را چنان که پروفیسور «مک لالکن» به یاد ما می‌آورد، آشکار می‌سازد آنگاه که میان دو دسته از خواسته‌های سیاسی و اقتصادی، برخوردی رخ می‌دهد، همان دسته نخستین است که سرانجام شکست خواهد خورد.<sup>(۵۶)</sup>

### پی‌نوشت‌ها

۱. «تحریم‌های اقتصادی: علل سیاسی و تأثیرات اقتصادی»، مجله سیاست خارجی، سال اول، شماره ۱، (۱۳۷۶): ص ۲۱۲
۲. واعظی، محمود، «تحولات جدید منطقه‌ای و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه خاورمیانه، شماره ۴، (۱۳۷۴): ص ۹۵۶
۳. «کنفرانس ایران در مرحله گذار»، سیاست خارجی، شماره ۱، (۱۳۷۶): ص ۲۰۱
۴. «از درون تصمیم‌گیری آمریکاییان درباره ایران»، پیام امروز، شماره (۱۳۷۴): ص ۴۲
۵. سجادیپور، سیدمحمدکاظم، «ارزیابی مهار دوگانه: چهار نگاه متفاوت»، سیاست خارجی، شماره ۱، (۱۳۷۶): ص ۱۰
۶. «از درون تصمیم‌گیری آمریکاییان». پیشین، ص ۴۳.



۷. همان، ص ۵
۸. تیمرمن، کنت «تحریم اقتصادی ایران». سیاست خارجی، شماره ۱ (۱۳۷۶): ص ۱۸۲.
۹. همان، همانجا.
۱۰. همان، همانجا.
11. Amuzegar, Gahangir. "Adgusting to schctions, the toll in iran." *foriegn Affairs*: volume 16, No3, pp.33 - 41.
12. *ibid* ., p.31.
۱۳. شریعتمداری، محمد. «همایش عزم ملی برای صادرات»، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۲۲، (۱۳۷۶): ص ۶
14. Gahangir Amuzegar, op.cit, p.32.
15. meal m. sher comprenstive u.s sanctions aginst - iran a plan for action Alipac (April 1995) p.8.
۱۶. «عملکرد اقتصادی خوب و یک کشور تحت محاصره»، پیام امروز، شماره ۱۷ و ۱۶، (۱۳۷۶): ص ۲۴
۱۷. شهابی، سهراب. «اثرات مستقیم و غیرمستقیم تحریم»، سیاست خارجی، شماره ۱، (۱۳۷۶): ص ۸۴
۱۸. همان، همانجا.
۱۹. همان، همانجا.
۲۰. ملکی، عباس. «تحریم آمریکا علیه ایران، ارزیابی مقدماتی»، سیاست خارجی، شماره ۱، (۱۳۷۶): ص ۴
۲۱. اطلاعات، مورخ ۷۶/۵/۸، ص ۳
۲۲. سهراب شهابی، همان، ص ۸۳
۲۳. عباس ملکی، همان، ص ۴
24. Gahangir Amuzegar, op.cit, p.40.
25. Fuller, Graham E and o leseer yan. "Persian Gulf Mytns," *Foreign Affairs*, No 3, (June 1997) :41.
26. *ibid*., p.48.
۲۷. طلوعی، محمود. *غول افلیح سیاست دوگانه آمریکا در ایران*، تهران: نشر علم، ۱۳۷۴، ص ۲۷
28. Zbigniew Brazeziski, Bernt scowcroft and Richard Morphy Differenteniated containment. *foreign affairs*, (May / June 1997): p.28.
29. *ibid* ., p.24.
30. *ibid*.
31. Graham E fuller and yan o leseer. *opcit*, p.42.
32. the threat of irag and iran. mees 40:16. 21 April 1997 - p.d1.
33. Gahangir Amuzegar, *op.cit*, p.34.
34. midde east polisy council
۲۵. برژینسکی. «چهره عریان سیاست آمریکا در خاورمیانه»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۱۱۶-۱۱۵ (۱۳۷۶): ص ۱۳۹-۱۳۸
۲۶. مورفی، ریچارد. «دوری از ایران بس است»، *پیام امروز*، شماره ۲۰، (۱۳۷۶): ص ۲۰
۲۷. عبداللهیان، امیرحسین. «دکترین مهار دوگانه، طرح ناماتو در مورد جمهوری اسلامی ایران»، *روزنامه جمهوری اسلامی*، (۱۷ شهریور ۷۵): ص ۱۴

39. Gahangir Amuzegar *op.cit* p.35.

۴۰. سهراب شهبایی، همان، ص ۸۷

۴۱. جمهوری اسلامی، همان، مورخ ۷۵/۶/۱۱، ص ۱۵

۴۲. امیراحمدی، هوشنگ. «سیاست آمریکا و پیامدهای آن»، پیام امروز، شماره ۶، (۱۳۷۴): ص ۴۷

۴۳. «دوری از ایران بس است»، همان، ص ۲۰

۴۴. «ایران تکنولوژی جدید را می‌بلعد»، مجله صفحه اول، شماره ۱۴، (۱۳۷۲): ص ۲۲

45. Gahangir Amuzegar, *op.cit*, p.31.

۴۶. سیک، گری. «ایران و آمریکا زخمهای فراموش نشده»، پیام امروز، شماره ۱۱، (۱۳۷۵): ص ۲۳

۴۷. فولر، گراهام. ایندایک... «سمپزیوم استراتژی مهار دو جانبه»، فصلنامه خاورمیانه، شماره ۲، (۱۳۷۲):

ص ۶۲۸

۴۸. همان، ص ۶۲۲

۴۹. همان، ص ۶۲۵

۵۰. «سفر به مسکو پایان بی پایان»، پیام امروز، شماره ۶، (۱۳۷۴): ص ۳۰

۵۱. روزنامه سلام، مورخ ۷۵/۳/۱۲، ص ۸

52. Graham E fuller and yan o leseer, *opcit*, p.48.

۵۲. محمود طلوعی، همان، ص ۲۹

۵۳. مجتهدزاده، پیروز. «از خلیج فارس تا دریای خزر، از ایده‌های ژئوپولیتیک تا واقعیت‌های ایرانی»،

اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۱۰-۱۰۹، (۱۳۷۵): صص ۹-۱۰

۵۵. همان، ص ۱۱

۵۶. همان، ص ۱۲